

دوستی و تعامل با همנוعان در سیره ی امام جواد علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8?">

آغازین سخن

نهمین ستاره فروزان آسمان امامت و ولایت حضرت امام محمد تقی (ع) معروف به جوادالائمه (ع) در روز دهم ماه رجب سال 195 ه.ق در مدینه دیده به جهان گشود. (1) پدر بزرگوارش حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و مادر مکرمه اش بانویی مصری تبار به نام سبیکه از خاندان ماریه قبطیه همسر پیامبر اسلام (ص) بود، به طوری که امام رضا (ع) از او به عنوان بانویی قدسیه و پاکیزه یاد می کرد. (2)

امام جواد (ع) در سن هفت سالگی به امامت رسید و مدّت هفده سال رهبری شیعیان را به عهده گرفت. دوران امامت حضرتش با دو نفر از خلفای ستم پیشه عباسی به نام های مأمون و معتصم مقارن بود. آن حضرت در آخر ماه ذی قعدة سال 220 ه.ق در سن 25 سالگی و در عنفوان جوانی به دستور معتصم عباسی و توسط همسر بی وفایش ام الفضل (دختر مأمون) با انگور زهرآلود مسموم و در بغداد به شهادت رسید. (3) آن بزرگوار همانند دیگر امامان معصوم (ع) دارنده تمام کمالات و فضایل اخلاقی در مرتبه اعلی بود و به رغم جوان بودن، آن چنان بر قلّه شکوهمند کمال و فضیلت قرار داشت که نه تنها دوستان و پیروانش او را ستوده اند، بلکه دشمنان کینه توز و سرسخت به مدح و ستایش آن گوهر نبوی پرداخته اند.

ایشان در سیره عملی و شیوه رفتاری خود دستورالعمل های فردی، اجتماعی و تربیتی را به شیعیان آموزش داد و از این رهگذر موفق گردید که به رغم تهاجم عقیدتی و نیرنگ بازی های دو خلیفه ملعون عباسی، مکتب اهل بیت (ع) را به جهانیان معرفی کند.

رهنمودهای حکیمانه امام نهم شیعیان در زمینه انسان سازی و تهذیب نفس برگ زرینی است در کتاب تاریخ شیعه که در این نوشتار به بیان مقوله دوستی و تعامل با همנוعان از دیدگاه آن امام خواهیم پرداخت. امید است که مورد عنایت خوانندگان محترم قرار گیرد.

کیمیای سعادت

انسان موجودی است اجتماعی و پویا که به منظور تأمین نیازهای جسمی، روحی و عاطفی همیشه با همנוعان خود در حال تعامل است و بدون ارتباط با دیگران نمی تواند توانمندی های خویش را در جهت انجام وظایف فردی

و اجتماعی توسعه دهد.

تمام انسان ها جهت تأمین نیاز به دلبستگی و ارتباط با همنوعان به دنبال یافتن کسانی هستند که در کنار آنان احساس آرامش، آسایش و خوشبختی کنند، لذا اسلام به عنوان جامع ترین دین در جهت تحقق چنین هدفی آداب و ظرفیت های وسیعی را در نظر گرفته است و از تمام راهبردها و شیوه های شناختی و عاطفی مؤثر در امر هدایت و سعادت انسان ها استفاده می کند و در چارچوب دعوت به آموزه های نجات بخش، زمینه بالندگی، تعالی و شکوفایی فردی و اجتماعی انسان را فراهم نموده است. یکی از این آداب فرآیند دوستی و تعامل با همنوعان است که افراد را گرد هم جمع می نماید و بستر آسایش و زیبا زیستن را برای آنان مهیا می کند.

دوستی و ارتباط با افراد صالح و فرهیخته یکی از اهرم های مهم زندگی و از عوامل سعادت و سرافرازی انسان قلمداد می شود. با دوستان شایسته و وارسته انسان می تواند از گردنه های سخت زندگی عبور کند و به اهداف و آرمان های حقیقی خویش نایل گردد.

ره یافت های دینی و روان شناختی نشان می دهد انسانی که از نعمت دوستی و تعامل با همنوعان محروم است، غریب و تنهاست چنین شخصی حرف دل خود را کتمان می کند و نمی تواند خودش را آن چنان که هست بشناسد، به طوری که در زندگی از شکوفایی عقلی محروم می گردد و نشاط و شادابی خود را از دست می دهد. امام جواد (ع) در این رابطه می فرماید: ملاقات الاخوان نشرة و تلقیح للعقل و ان کان نزرأً قليلاً؛ (4) دیدار و ارتباط با دوستان باعث شادابی و زیادی عقل می شود. هر چند مدت دیدار کم باشد.

از دیدگاه نهمین فروغ امامت کسانی دوستان واقعی محسوب می شوند که آئینه اخلاق، محرم اسرار و معاون افکار در مصائب و مشکلات زندگی باشند و دیگران را در راه دینداری و بالا بردن سطح معرفت یاری رسانند؛ به شرطی که در این زمینه حد اعتدال را رعایت کنند، زیرا رعایت اعتدال و میانه روی در دوستی و رفاقت ضامن بقای رشته مؤدّت است به گونه ای که این نوع دوستی کارساز و چاره ساز است و پیوند آن به قدری محکم است که هرگز گسسته نمی شود. لذا انسان باید هوشیار باشد و افرادی را برای دوستی برگزیند که لطف و رحمت خداوند شامل حال آنان باشد و کاری نکرده باشند که خشم خداوند را برانگیزند. در حقیقت دوستی با بندگان صالح گرایش به سوی رحمت خداوند و ترک دوستی با افراد ناصالح گریز از خشم و غضب اوست.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: یا ایّها الذین آمنوا لاتتولّوا قوماً غضب الله علیهم قد یئسوا من الآخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور؛ (5) ای کسانی که ایمان آورده اید! با افرادی که مورد غضب خداوند واقع شده اند، طرح دوستی نیندازید، زیرا آنان از آخرت مأیوس و ناامید هستند همان طوری که کافران از خفتگان در گور ناامید شده اند.

کدام دوستی؟

دوستی و تعامل با دیگران وقتی که به خاطر خدا و بر پایه هویت انسانی بنا شده باشد و از رنگ مطامع دنیوی پیراسته باشد، پایدار خواهد ماند، زیرا مبنایش امور ثابت و عامل انعقاد آن رضایت و خشنودی الهی است. این نوع دوستی زمینه رشد و تعالی هویت افراد جامعه را فراهم می سازد به طوری که همه به بالاترین درجه سعادت

و خوشبختی می رسند...

امام محمد تقی (ع) پیرامون دوستی و رفاقت راستین می فرماید: من استفاد اخاً فی الله فقد استفاد بیتاً فی الجنة؛ (6) هر کس در راه خدا برادر و دوست پیدا کند، خانه ای در بهشت به دست می آورد.

کلام گهر بار آن بزرگوار متضمن این حقیقت است که دوستی هایی که به خاطر رضایت و خشنودی خداوند باشد، رسیدن به بهشت و برخورداری از نعمت های اخروی را بر فرد مؤمن و صالح واجب می گرداند، چون انسان صالح و با تقوا در اثر معاشرت و مصاحبت با اخیار و نیکان انجام اعمال نیک و عادات پسندیده را در نهاد خویش تقویت می کند که پیامد آن سعادت و فوز ابدی است.

اما اگر دوستی و مصاحبت با دیگران در راه غیر خدا و بدور از تقوای الهی باشد، دیر یا زود به دشمنی تبدیل خواهد شد.

قرآن کریم می فرماید: الاخلاء یومئذٍ بعضهم لبعض عدوٌ الا المتّقین؛ (7) دوستان در آن روز بعضی دشمن بعضی دیگرند مگر افراد باتقوا و پرهیزکار.

رفاقت معرّف شخصیت

شخصیت هر انسانی را در جامعه با دوستان او می سنجند. تأثیری که گروه دوستان در رفتار، گفتار و کردار فرد به جا می گذارد، پدیده ای انکار ناشدنی است تا آن جا که می توان به واسطه دوستان به شخصیت افراد پی برد. لذا یکی از بهترین معیارهای واقعی شناخت فرد، دوستان و رفقای او هستند.

سرور کائنات حضرت محمد (ص) در این باره می فرماید: لاتحملوا علی رجلٍ بشی ء حتّی تنظروا الی من یصاحب فانّما یعرف الرّجل بالشیءالهِ و اقارنه و ینسب الی اصحابه و اخدانه؛ (8) درباره انسانی قضاوت نکنید مگر این که به دوستانش نظر بیفکند، زیرا هر انسانی به وسیله دوستان و همنشینان خویش شناخته می شود و به یاران و برادرانش منسوب می گردد.

اساساً دوستی با انسان های آلوده و منحرف فرد را از گروه نیکان و صالحان جدا می کند و در صف افراد شرور و ناهنجار قرار می دهد، به طوری که فرد دیگر به نصیحت انسان های وارسته و صالح توجه نمی کند و حتی نسبت به آنان سوءظن پیدا می کند. به همین علت حضرت جواد الائمه (ع) می فرماید: مجالسة الاشرار تورث سوء الظنّ بالاخیار؛ (9) همنشینی با بدان باعث می شود که انسان نسبت به افراد خوب و نیک بدبین شود. بنابراین یکی از متقن ترین معیارهای واقعی شناخت انسان دوستان و رفقای او هستند که این گونه افراد آیینیه تمام نمای وجود وی می باشند، زیرا انسان به اشخاصی روی می آورد که از نظر باطنی و ساختار شخصیت با آنان همسان است.

انتخاب دوست خوب اساسی ترین نقش را در موفقیت انسان در عرصه های مختلف زندگی ایفا می کند و کم توجهی یا بی توجهی نسبت به این انتخاب، مایه بدبختی و هلاکت فرد می شود، زیرا به همان اندازه که دوستان صالح و نیکو آدمی را در رسیدن به آرمان های واقعی زندگی یاری می دهند، به همان اندازه دوستان ناشایست او را از مرحله موفقیت دور می کنند و زمینه هلاکت و نابودی وی را فراهم می کنند. قرآن کریم درباره عواقب دوستی با ناهلان از زبان اهل جهنم چنین نقل می کند: و یوم یعضّ الظّالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتّخذت مع الرّسول سبیلاً یا ویلنی لیتنی لم اتّخذ فلاناً خلیلاً؛ (10) روز قیامت انسان ظالم انگشت حسرت به دهان می گیرد و می گوید: ای کاش من در دنیا با پیامبر دوست و همراه می شدم. وای بر من! کاش فلان شخص فاسق و گمراه را به عنوان دوست انتخاب نمی کردم.

امام محمد تقی (ع) با الهام از آموزه های وحیانی در سیره خود می فرماید: ایّاک و مصاحبة الشّریر فانّه کالسّیف المسلول یحسن منظره و یقبح آثاره؛ (11) از رفاقت و دوستی با انسان های بد بشدت پرهیز کن، زیرا انسان شریر مانند شمشیر برهنه است که ظاهر زیبا و آثار زنده دارد.

آن امام بزرگوار در این کلام گهربار خاطرنشان می کند که فرد مسلمان و مؤمن باید از همنشینی و تعامل با افراد ناشایست و نالایق جداً اجتناب نماید، زیرا معاشرت و مصاحبت با این گونه افراد بذر ذایل اخلاقی را در نهاد انسان می پاشد و مایه قساوت قلب می شود و ممکن است انسان را در قهر و عذاب الهی سهیم گرداند. روزی پدر بزرگوار امام جواد (ع) به شخصی از نزدیکان خود به نام سلیمان بن جعفر جعفری که با امام هادی (ع) رفت و آمد داشت، فرمود: چرا تو را نزد عبدالرحمان بن یعقوب می بینم و با او رابطه دوستی داری؟ سلیمان پاسخ داد: او دایی من است.

امام فرمود: او انسان منحرفی است و درباره خداوند حرف های نادرستی می زند و به جسم بودن خدا معتقد است. سلیمان گفت: او هرچه می خواهد بگوید! من فقط با وی دوست هستم. وقتی به گفته هایش اعتقادی نداشته باشم، دوستی ما چه اشکالی دارد؟ امام فرمود: یا با او دوست باش و ما را رها کن و یا ما را دوست داشته باش و با وی قطع دوستی و رابطه کن، چون ممکن نیست که هم ما را دوست داشته باشی و هم او را. بدان که اگر عذابی بر او نازل شود، دامن تو را هم می گیرد. سپس امام هادی (ع) داستان جوانی را تعریف کرد که خودش از دوستان حضرت موسی (ع) بود و پدرش از یاران فرعون، لذا در ادامه فرمود: وقتی لشکر فرعون در کنار رود نیل به حضرت موسی (ع) و پیروان او رسید، جوان از گروه موسی جدا شد تا پدرش را نصیحت کند و به راه راست هدایت نماید، اما پدرش بصیرت و گوش شنوا نداشت و اندرز پسر در او تحولی ایجاد نکرد و سرسختانه به پیروی از فرعون ادامه داد. در این هنگام یاران موسی از رود نیل گذشتند و نجات یافتند. اما پسر چون نزد پدرش ماند، به همراه او غرق شد. موضوع را به اطلاع حضرت موسی رساندند. اصحاب از حال جوان پرسیدند که آیا او اهل رحمت است یا عذاب؟ حضرت موسی (ع) فرمود: جوان مشمول رحمت الهی است چون با پدر هم عقیده نبود، ولی هنگامی که عذاب نازل می شود، نزدیکان افراد گناهکار نیز گرفتار عذاب می شوند و آتش شرارت بدکاران افراد صالح را نیز به کام خود فرو می برد. (12)

پرهیز از منت گذاری

فرد مؤمن باید از هر نوع رفتاری که سبب منت گذاشتن بر دوستان می شود، بپرهیزد. مردی نزد امام جواد (ع) آمد که بسیار خوشحال و خندان به نظر می رسید. امام علت خوشحالی اش را پرسید، و گفت: یابن رسول الله! از پدرت شنیدم که فرمود: شایسته ترین روز برای شادی یک بنده روزی است که در آن، انسان توفیق نیکی و انفاق به دوستانش را به دست آورد و امروز ده نفر از دوستان و برادران دینی که فقیر و عیالوار بودند، از فلان شهرها به نزد من آمدند و من هم به هر کدام چیزی بخشیدم. به همین خاطر خوشحال شدم. آن حضرت فرمود: لعمری آنک حقیق بان تسرّ ان لم تکن احبّطه او لم تحبّطه فیما بعد؛ (13) به جانم سوگند! شایسته است که خوشحال باشی، اما ممکن است که اثر کار خود را از بین برده باشی یا بعداً از بین ببری او با شگفتی پرسید: چگونه عمل نیک من بی فایده می شود و از بین می رود؟ در حالی که من از شیعیان خالص شما هستم.

امام فرمود: با همین سخنی که گفتی، کارهای نیک و انفاق های خود را در حق دوستان از بین بردی، او توضیح خواست و آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: یا ایّها الذین آمنوا لاتبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی؛ (14) ای مؤمنان صدقه ها و بخشش های خود را با منت و اذیت کردن باطل نکنید.

مرد گفت: من که به آن افراد منت نگذاشتم و آزارشان ندادم.

امام فرمود: همین که گفتی: چگونه عمل نیک من بی فایده می شود و از بین می رود؟ و یقیناً خود را جزء شیعیان خالص ما قرار دادی، ما را آزردی! آن مرد بعد از اعتراف به تقصیر خود پرسید: پس چه بگویم امام فرمود: بگو من از دوستان شما هستم. دوستان شما را دوست دارم و دشمنان شما را دشمن می دارم. (15) مرد قبول کرد و امام جواد فرمود: الآن قد عادت الیک مثوبات صدقاتک و زال عنها الاحباط؛ (16) اکنون پاداش بخشش هایت به تو برگشت و حبط و بی اثر بودن آن زایل شد.

راهبردهای تحکیم دوستی

1. مشورت و همفکری: مشورت در امور یکی از مؤلفه های تحکیم دوستی و تعامل با دیگران و یکی از عوامل جذب دوستان می باشد.

در قرآن کریم فرآیند مشورت در چند آیه مورد توجه قرار گرفته است و از همه مهم تر این که سوره ای به نام شوری در این کتاب آسمانی وجود دارد. خداوند برای زنده کردن شخصیت انسان ها و تحکیم رفاقت و تعامل با یکدیگر به پیامبر (ص) دستور می دهد که در کارها با مسلمانان مشورت کن: ...و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکّل علی الله...؛ (17) و با آنان در امور مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن.

پیامبر اکرم (ص) قطع نظر از وحی آسمانی چنان فکر نیرومندی داشت که نیازی به مشاوره نداشت، اما برای این

که از یک سو مسلمانان را به اهمّیت مشورت متوجه سازد و از سوی دیگر نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش دهد، در امور عمومی مسلمانان که جنبه اجرای قوانین الهی را داشت، جلسه مشاوره تشکیل می داد و برای رأی افراد صاحب نظر ارزش خاصی قائل بود؟ به طوری که برای احترام به دوستان از رأی خود صرف نظر می نمود؛ (18) بنابراین گاهی انسان قادر به تصمیم گیری نیست. در چنین مواقعی می توان با دوستان صالح و نیک اندیش مشورت نمود و از نظرات آنان در پیشبرد اهداف خویش بهره گرفت. کسانی که با دوستان شایسته و خوب مشورت می کنند، در کارهایشان پیشیمان نخواهند شد. نهمین

امام شیعیان در این راستا می فرماید: ثلاثٌ من کُنَّ فیهِ لم یندم: ترک العجلة و المشورة و التَّوکل عند العزم علی الله؛ (19) سه ویژگی در هر انسانی باشد از کار خود پیشیمان نمی شود: در کار خود عجله نکند، مشورت و همفکری با دوستان و نزدیکانش داشته باشد و هنگامی که تصمیم می گیرد که کاری را انجام دهد، بر خداوند توکل نماید. بنابراین مشورت با دوستان در تحکیم دوستی و گسترش تعامل مؤثر است، چرا که انسان در مشورت با دیگران علاوه بر این که از نظرات مختلف بهره می برد، برای دوستان خود نیز شخصیت و احترام قائل می شود و یقیناً احترام به دیگران افزایش محبّت آنان را در پی خواهد داشت.

2. خوش رویی: یکی دیگر از راهبردهای تحکیم دوستی و جذب دوستان حقیقی و یاران صمیمی خوش رویی و گشاده رویی در معاشرت با دیگران است. امام نهم شیعیان در این زمینه چنین تصریح نموده اند: اَتَّکُم لَن تَسْعُوا باموالکم فسعو هم بطلاقة الوجه و حسن اللّقاء؛ (20) شما هرگز با مال و منال دنیا نمی توانید به مردم توسعه دهید و آنان را راضی کنید. پس تلاش کنید تا با گشاده رویی و خوش برخوردی آنان را راضی نمایید.

از آن جایی که انسان برای تداوم زندگی و غلبه بر مشکلات و پیمودن راه تکامل به همراهان و همفکران نیازمند است، لازم است که این عامل کارساز را در معاشرت با دیگران به کار گیرد و هر روز دوستان زیادی را برای خود کسب کند که این امر در پرتو خوش خلقی و گشاده رویی با دیگران تحقق می یابد. به همین دلیل است که مولای متقیان حضرت علی (ع) ناتوان ترین افراد جامعه را کسانی می داند که از به دست آوردن دوست و رفیق عاجز باشند، لذا می فرماید: اعجز النَّاس من عجز عن اكتساب الأخوان و اعجز منه من ضیّع من ظفر به منهم؛ (21) ناتوان ترین مردم کسی است که از پیدا کردن دوست، ناتوان باشد و عاجزتر از او کسی است که دوستانی را که به دست آورده از دست دهد.

3. دیدار و همدردی: شایسته است که فرد مسلمان روابط اجتماعی خود را با دیگران تقویت کند و با برادران دینی و دوستان خود دیدار و همدردی داشته باشد، زیرا گوشه گیری از مردم و فاصله گرفتن از آنان عواقب زیانباری را به دنبال دارد و ارتباط و تعامل با دیگران سبب جذب دوستان می شود. بدین سبب امام جواد (ع) می فرماید: ثلاث خصال تجتلب بهنّ المحبّة: الانصاف فی المعاشرة و المواساة فی الشدّة و الانطواع و الرّجوع علی قلب سلم؛ (22) با سه چیز محبّت دوستان جلب می شود: انصاف داشتن در برخوردها و دیدارها، همدردی با آنان در سختی ها و راحتی ها و داشتن قلب سلیم.

همیشه با مال و مناصب دنیوی نمی توان دل ها را رام کرد. دیدار و ملاقات دیگران همراه با برخورد محبت آمیز مانند باران بهاری لطافت، نشاط و سرسبزی را به دنبال دارد. گاهی دیدار صمیمانه معجزه می کند و تحوّل می آفریند، به طوری که تداوم آن پیوند رفاقت و دوستی را عمق و ژرفا می بخشد. بنابراین دیدار و برخورد صادقانه با دیگران سرآمد فضایل اخلاقی و سجایای انسانی است و امام محمد تقی (ع) مانند سایر پیشوایان معصوم در سیره خود آن را از مؤلفه های مهم خوشبختی و بهزیستی قلمداد می کند، زیرا این پدیده تعامل بین افراد را در

جامعه مسلمین مستحکم می نماید و دوستان آنان را زیاد می کند.

پی نوشت ها :

1. بعضی ولادت آن بزرگوار را در ماه مبارک رمضان سال 195 ه.ق می دانند. نک: الارشاد، شیخ مفید، ص 16.
2. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج 50، ص 15.
3. اصول کافی، کلینی، ج 2، ص 492.
4. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج 2، ص 229.
5. سوره ممتحنه، آیه 13.
6. موسوعة کلمات الامام الجواد (ع)، ج 2، ص 352.
7. سوره زخرف، آیه 67.
8. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، ج 15، ص 73.
9. امالی شیخ صدوق، ص 531.
10. سوره فرقان، آیات 27، 28.
11. منتهی الآمال، ج 2، ص 228.
12. بحارالانوار، ج 74، ص 95.
13. همان، ج 68، ص 159.
14. سوره بقره، آیه 264.
15. بحارالانوار، ج 74، ص 159.
16. همان، ص 160.
17. سوره آل عمران، آیه 159.
18. نک: تفسیر نمونه، ج 3، ص 146، 142.
19. کشف الغمّه فی معرفة الائمه (ع) علی بن عیسیٰ اربلی، ج 2، ص 343.
20. امالی شیخ صدوق، ص 531.
21. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص 626، حکمت 12.
22. بحارالانوار، ج 75، ص 82.